



Designing and Explaining an Organizational Pride Model in FARAJA

Yahya Mohammadi Moghadam

PhD student in Criminology
and Criminal Justice, Faculty
of Law, Islamic Azad
University, Damghan
Branch, Damghan, Iran
yahya.m.m60@iran.ir

Davud Dadashnejad Delshad

* Assistant Professor,
Department of Criminal Law
and Criminology, Faculty of
Law, Islamic Azad
University, Damghan
Branch, Damghan, Iran.
dadashnejaddavood@yahoo.com

Mohammad Hassan Hassani

Assistant Professor,
Department of Criminal Law
and Criminology, Faculty of
Humanities, Damghan
University, Damghan, Iran.
m.hasani@du.ac.ir

Morteza Barati

Assistant Professor,
Department of Criminal Law
and Criminology, Faculty of
Law, Islamic Azad
University, Damghan
Branch, Damghan, Iran
mortezabarati@chmail.ir

Received: 2025/11/08

Accepted: 2026/02/05

DOI:

10.22034/jpcs.2026.1285021.1430



ABSTRACT

One of the neglected aspects in traditional systems has been the attention to the legal and legal aspects of the culture of victim support; a comparative study and analysis of policies and regulations related to victim support in international and Iranian documents and laws with the aim of identifying existing strengths and weaknesses provides solutions to strengthen the position of victims in the country's criminal justice process and institutionalize a culture of victim support. The present study is applied in terms of purpose, descriptive-analytical in nature, and qualitative in terms of approach, and the content analysis method (three-stage coding) was used for its analysis. The data collection method was documentary and using a record-taking tool, including 9 book volumes, 18 article copies, 6 legal documents, and 8 reputable legal websites, which were studied in their entirety due to resource limitations in the field of victim support measures. Iranian laws such as the Victims Protection Law, the Criminal Procedure Code, etc. have provided basic rights for victims in order to institutionalize a culture of victim support, but they have shortcomings compared to international standards such as the United Nations "Principles on the Rights of Victims". In particular, active participation of victims in proceedings, comprehensive psychosocial support, and facilitated mechanisms for compensation, which are more limited in the Iranian victim support culture. Although Iranian laws have taken positive steps in line with the culture of victim support, they are significantly behind international standards. Shortcomings such as active participation of victims in proceedings, psychosocial support, and compensation mechanisms are evident. Accordingly, it is necessary to promote the culture of Iranian laws and support institutions in order to align with international documents in order to guarantee the rights of victims in a more comprehensive manner.

Keywords: Legal and legal dimensions, victim support culture, international documents and laws, Iranian documents and laws, comparative study instruments in order to more comprehensively guarantee the rights of victims.

► **Citation (Vancouver):** Mohammadi Moghadam Y, Dadashnejad Delshad D, Hassani MH, Barati M. Designing and Explaining an Organizational Pride Model in FARAJA. *Police Cultural Studies*, 2025; 12(3): 91-101.

► **Citation (APA):** Mohammadi Moghadam, Y., Dadashnejad Delshad, D., Hassani, MH., Barati, M. (2025) Designing and Explaining an Organizational Pride Model in FARAJA. *Police Cultural Studies*, 12(3), 91-101.

ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در بررسی تطبیقی اسناد و قوانین بین‌المللی و ایران

چکیده

یکی از ابعاد مغفول‌مانده در نظام‌های سنتی، توجه به ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان بوده است؛ بررسی و تحلیل تطبیقی سیاست‌ها و مقررات مربوط به حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و قوانین بین‌المللی و ایران با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف موجود، راهکارهایی برای تقویت جایگاه بزه‌دیده در فرآیند عدالت کیفری کشور و نهادینه سازی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان فراهم ساخته است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ رویکرد، کیفی تطبیقی است که از روش تحلیل محتوا (کدگذاری سه مرحله‌ای) برای تحلیل آن استفاده شد. روش گردآوری داده‌ها، به صورت اسنادی و با استفاده از ابزار فیش‌برداری شامل ۹ جلد کتاب، ۱۸ نسخه مقاله، ۶ سند قانونی و ۸ سایت معتبر حقوقی بوده که به علت محدودیت منابع در حوزه اقدامات حمایتی از بزه‌دیدگان به صورت تمام شمار مورد مطالعه قرار گرفتند. قوانین ایران، از جمله قانون اساسی، قانون حمایت از بزه‌دیدگان، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در راستای نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان، حقوق اولیه‌ای برای آنان فراهم کرده‌اند. با این حال، در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی، مانند اعلامیه اصول حقوق بزه‌دیدگان سازمان ملل متحد، همچنان کاستی‌هایی وجود داشت. به ویژه در زمینه مشارکت فعال بزه‌دیدگان در دادرسی‌ها، حمایت‌های جامع روانی و اجتماعی و سازوکارهای تسهیل‌شده جبران خسارت که اجرای فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در ایران را محدود ساخته است. هرچند قوانین ایران در راستای فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان گام‌هایی مثبت برداشته‌اند، اما با استانداردهای بین‌المللی فاصله قابل توجهی دارند. بر این اساس، فرهنگ سازی ارتقاء قوانین و نهادهای حمایتی ایران به منظور همسویی با اسناد و قوانین بین‌المللی ضروری بوده تا در سایه‌ی چنین فرهنگی به عدالت کیفری انسانی‌تر، ترمیمی‌تر و پایدارتر دست یافت و جامعه‌ای امن‌تر، هم‌مدل‌تر و مسئول‌تر ساخت تا در آن کرامت انسانی هسته‌ی اصلی نظام عدالت محسوب شود.

کلیدواژه‌ها: ابعاد حقوقی و قانونی، فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان، اسناد و قوانین بین‌المللی، اسناد و قوانین ایران، بررسی تطبیقی

◀ **استناد (ونکوور):** محمدی مقدم، ی. داداش‌نژاد دلشاد، د. حسنی م ح، براتی م. ط ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در بررسی تطبیقی اسناد و قوانین بین‌المللی و ایران. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۴۰۴؛ ۱۲(۳): ۹۱-۱۰۱.

◀ **استناد (APA):** محمدی مقدم، ی. داداش‌نژاد دلشاد، د. حسنی م ح، براتی م. ط ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در بررسی تطبیقی اسناد و قوانین بین‌المللی و ایران. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۲(۳)، ۹۱-۱۰۱.

یحیی محمدی مقدم

دانشجوی دکتری جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران.

yahya.m.m60@iran.ir

داود داداش‌نژاد دلشاد

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران. (نویسنده مسئول).

dadashnejaddavood@yahoo.com

محمدحسن حسنی

استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران.

m.hasani@du.ac.ir

مرتضی براتی

استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران.

mortezabarati@chmail.ir

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۹۱-۱۰۱

تاریخ دریافت: ۱۷/۰۸/۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶/۱۱/۱۴۰۴

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/jpcs.2026.1285021.1430

فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان یکی از مباحث بنیادین در نظام عدالت کیفری نوین و حقوق بشر معاصر است که در دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای مورد توجه نهادهای ملی و بین‌المللی قرار گرفته است. در دوران سنتی حقوق کیفری، تمرکز اصلی بر جرم، بزه‌کار و چگونگی مجازات او بود و نقش بزه‌دیده در فرآیند دادرسی و جبران خسارت، کم‌رنگ و منفعل تلقی می‌شد؛ اما با گسترش جنبش‌های حقوق بشری و تحولات جرم‌شناسی در قرن بیستم، نگاه نظام‌های حقوقی به سمت بزه‌دیده تغییر یافت و «عدالت ترمیمی» به عنوان رویکردی مکمل برای عدالت کیفری مطرح شد. در این میان، شکل‌گیری و تقویت «فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان» به منزله‌ی ضرورتی برای تضمین کرامت انسانی، احقاق حقوق از دست‌رفته و بازتوانی اجتماعی و روانی قربانیان جرایم، در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت (۱۹۸۵، سازمان ملل متحد).

در سطح بین‌المللی، در راستای فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان اسناد متعددی تدوین شده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) اشاره کرد. این اسناد ضمن شناسایی جایگاه بزه‌دیدگان به عنوان صاحبان حق، دولت‌ها را موظف می‌سازند تا سازوکارهای قانونی، حمایتی و بازپرورانه لازم را برای آنان فراهم کنند. محورهای اصلی این اسناد شامل دسترسی بزه‌دیدگان به عدالت، جبران مادی و معنوی خسارات، حمایت‌های روانی، اجتماعی و حفاظتی و نیز تضمین مشارکت فعال آنان در فرآیند رسیدگی کیفری است. در کنار این موارد، اتحادیه اروپا نیز در قالب دستورالعمل ۲۰۱۲/۲۹ / EU استانداردهای حداقلی برای حقوق بزه‌دیدگان را در کشورهای عضو تصویب کرده که از جامع‌ترین نظام‌های حمایتی جهان به شمار می‌رود.

در ایران نیز، با هدف نهادینه سازی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان مفهوم حمایت از بزه‌دیدگان به تدریج در قوانین

داخلی انعکاس یافته است. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، حقوق جدیدی برای بزه‌دیدگان از جمله حق اطلاع، حق برخورداری از وکیل، حق حفظ کرامت و امنیت شخصی و حق درخواست جبران خسارت پیش‌بینی شد. همچنین در قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱) و قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، مقرراتی برای حمایت از زنان، کودکان و آسیب‌دیدگان اجتماعی در نظر گرفته شده است. افزون بر آن، نهادهایی همچون سازمان بهزیستی کشور، اورژانس اجتماعی و دفاتر حمایت از زنان و کودکان بزه‌دیده در قوه قضاییه، بخشی از سازوکار حمایتی کشور را تشکیل می‌دهند. با این حال، حمایت از بزه‌دیدگان در ایران هنوز در مرحله گذار از نظریه به عمل است و چالش‌هایی نظیر ضعف در نهادسازی، کمبود بودجه، عدم هماهنگی بین نهادهای مسئول و نگاه سنتی جامعه به بزه‌دیده، مانع تحقق کامل اهداف حمایتی شده است.

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل تطبیقی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و قوانین بین‌المللی و ایران انجام شده است و به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست که ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و قوانین بین‌المللی چگونه تعریف شده‌اند؟ قوانین ایران تا چه اندازه با این استانداردها همخوانی دارند؟ و مهم‌تر از همه، چه موانع و چالش‌هایی در مسیر اجرای کامل فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در ابعاد حقوقی و قانونی در کشور وجود دارد؟ یافته‌های این تحقیق می‌تواند مبنایی برای اصلاحات قانونی و نهادی در جهت ارتقای ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در کشور باشد.

پیشینه تحقیق

مطالعات زیادی به شرح زیر موضوع بزه‌دیده و حمایت از وی را مورد بررسی قرار داده اند اما تاکنون به صورت خاص موضوع «ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از

بزه دیدگان در بررسی تطبیقی اسناد و قوانین بین المللی و ایران» مورد بررسی قرار نگرفته است.

فهلی و حیدری (۱۴۰۴)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه پدیدارشناسانه آسیب های فردی، فرهنگی و خانوادگی طلاق بر اساس تجارب زیسته زنان مطلقه» زنان مطلقه را بزه دیدگانی دانسته اند که علاوه بر مشکلات عدیده ای که دارند در زمینه خانوادگی نیز با حمایت نشدن از طرف اعضای خانواده دست به گریبان هستند.

قرلباش، شاملو و احمدی موسوی (۱۴۰۳)، در مقاله «جایگاه رضایت بزه دیده در سیاست کیفری ایران؛ فرا تحلیل تطبیقی» به بررسی نقش رضایت بزه دیدگان در فرآیند دادرسی کیفری ایران و مقایسه آن با نظام های حقوقی دیگر پرداخته اند که می تواند در ارتقای سازوکارهای حمایت از بزه دیدگان مؤثر باشد.

رفیع نژاد، نجفی توانی و ساعد (۱۴۰۱)، در پژوهشی درباره «الگوی برای تقویت حمایت از بزه دیدگان جرایم بین المللی در آفریقا» به چالش ها و فرصت های موجود در حوزه حمایت از بزه دیدگان در نظام های قضایی آفریقایی پرداخته اند و پیشنهادهایی کاربردی برای بهبود این حمایت ها ارائه کرده اند.

زاهدی، رئیس پور شیرازی و فرجی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «نقش پلیس زن در پیشگیری از خشونت علیه زنان» به این نتیجه رسیده اند که زنان به دلیل ویژگی های روانی و زیستی، هدف مناسبی برای بزه دیدگی به حساب می آیند و پلیس ایران نیز مانند سایر کشورها باید با بکارگیری نیروی های آموزش دیده و ویژه زنان در جهت کشف و پیشگیری از خشونت ها علیه زنان مؤثر واقع شود.

میرکمالی و سروی سرمیدانی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «نقش سازمان های مردم نهاد در حمایت از بزه دیدگان با تأکید بر کودکان بزه دیده» به این نتیجه رسیده اند که ظاهر مبهم و تفسیرپذیر ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در واقع در مقام بیان این امر بوده که سازمان های مردم نهاد، شاکی جرایم واقع شده و در حیطة مقررات این ماده هستند. البته این اقدام قانونگذار در راستای حمایت از بزه دیدگان

با خلاء جدی دیگری مواجه هست که آن فقدان جرم انگاری عدم اعلام جرم و شکایت از سوی سازمان های مذکور است.

کرامتی معز و میر خلیلی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین المللی به حمایت از کودکان بزه دیده در شبکه های اجتماعی» به این نتیجه رسیده اند که سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال حمایت از کودکان بزه دیده در شبکه های اجتماعی افتراقی نبوده و یک سری حمایت های عام بدون در نظر گرفتن شرایط خاص این نوع بزه دیدگی در نظر گرفته شده است که با رویکردهای خاص اسناد بین المللی در این زمینه فاصله دارد.

یعقوبی (۱۳۹۹)، در مقاله «بررسی تطبیقی حمایت عاطفی از بزه دیدگان سایبری در حقوق ایران و اسناد بین المللی» به طور ویژه بر حمایت های روانی و عاطفی از بزه دیدگان جرایم سایبری تأکید کرده و نقاط ضعف قوانین داخلی را در مقایسه با اسناد بین المللی برجسته ساخته است. این پژوهش، اهمیت توجه به حمایت های روان شناختی را در کنار حمایت های حقوقی نشان می دهد. اختری و موذن زادگان (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه حقوق بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران» به جایگاه حقوق بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی طبق قانون آیین دادرسی کیفری ایران پرداخته اند. آن ها با تحلیل مواد قانونی و مقایسه با استانداردهای بین المللی، به ارزیابی حمایت های قانونی از بزه دیده در این مرحله پرداخته اند.

پورقهرمان (۱۳۹۶)، در «مطالعه تطبیقی سازوکارهای حمایت از بزه دیدگان جرایم رایانه ای در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی با تأکید بر کنوانسیون بوداپست» سازوکارهای حقوقی دو نظام را تحلیل کرده و ضرورت اصلاحات قانونی در ایران برای انطباق با استانداردهای بین المللی را مطرح کرده اند.

لعل علیزاده، (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی مشارکت بزه دیدگان در محاکم کیفری بین المللی اختصاصی با دیوان کیفری بین المللی» به مقایسه

بکر^۴ (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «حمایت از بزهدیدگان در قوانین مقابله با تروریسم» به تحلیل چالش‌ها و راهکارهای حقوقی مرتبط با حمایت از بزهدیدگان تروریسم در اسناد بین‌المللی پرداخته و اهمیت حمایت‌های ویژه در این حوزه را برجسته ساخته است.

هنسن^۵ (۲۰۱۹)، در کتاب خود با عنوان «حقوق بزهدیدگان در حقوق کیفری بین‌المللی» چارچوب‌های حقوقی حمایت از بزهدیدگان در دادگاه‌های بین‌المللی را تبیین کرده و سازوکارهای مؤثر برای تضمین دسترسی آنان به عدالت و جبران خسارت را تشریح نموده است.

در پژوهش صورت گرفته مشخص است که یافته‌های این پژوهش با تحقیقات پیشین قزلباش، شاملو و احمدی موسوی (۱۴۰۳)، رفیع نژاد، نجفی توانی و ساعد (۱۴۰۱)، میرکمالی و سروی سرمیدانی (۱۴۰۰)، کرامتی معز و میر خلیلی (۱۳۹۹)، یعقوبی (۱۳۹۹)، اختری و موذن زادگان (۱۳۹۸)، پورقهرمان (۱۳۹۶)، حاجی تبار فیروز جانی (۱۳۹۱)، استرن (۲۰۲۱)، هریسون (۲۰۲۱)، رابرتسون (۲۰۲۰)، بکر (۲۰۲۰)، هنسن (۲۰۱۹) که دارای رویکرد حمایتی از بزهدیدگان می باشند هم راستا می باشد اما با تحقیق لعل علیزاده (۱۳۹۴) که تنها به بحث مشارکت بزهدیدگان در محاکم کیفری پرداخته است هم راستا نمی باشد.

چارچوب نظری

مندلسون در سال ۱۹۷۶ بزهدیده را اینگونه تعریف می نماید: «شخصی مستقل یا متعلق به یک مجموعه ای که متحمل آثار دردناک برخی عوامل شده که اینها دارای ریشه‌های مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نیز طبیعی می باشند» (لپز و فلیزولا، ۲۰۱۶: ۵۸).

فرهنگ حمایت از بزهدیدگان، مفهومی نوین و چندبعدی در نظام عدالت کیفری و حقوق بشر است که در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. این فرهنگ در واقع

ظرفیت‌های موجود در قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی پرداخته‌اند و شکاف‌های موجود را تحلیل کرده‌اند.

حاجی تبار فیروز جانی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «دلایل توجیهی حمایت افتراقی از بزهدیدگان آسیب پذیر در پرتو آموزه‌های علوم جنایی» به این نتیجه رسیده است که اگر چه در اکثر آموزه‌های علوم جنایی، به طور صریح و مستقیم به مسئله حمایت از بزهدیدگان و به ویژه بزهدیدگان آسیب پذیر و حمایت افتراقی از آنان پرداخته نشده است، ولی با این وجود، اغلب می توان از طریق برداشت ضمنی و غیر مستقیم بین آموزه‌های علوم جنایی و مضامین و محتوای آنها با مسئله ضرورت حمایت ویژه از بزهدیدگان آسیب پذیر رابطه منطقی برقرار کرد؛ به عبارت دیگر، دلایل توجیهی حمایت از بزهدیدگان آسیب پذیر در بطن مضامین و محتوای هر یک از شاخه‌های مذکور نهفته است.

استرن^۱ (۲۰۲۱)، در کتاب با عنوان «حمایت روانی از بزهدیدگان جرم: دیدگاه‌های بین‌المللی» به بررسی حمایت‌های روانی و اجتماعی ارائه شده به بزهدیدگان در کشورهای مختلف پرداخته و بر اهمیت ایجاد سیستم‌های حمایتی جامع برای بازسازی روانی آنان تأکید کرده است.

هریسون^۲ (۲۰۲۱)، در کتاب «حمایت از قربانیان جرم: رویکردهای بین‌المللی» چارچوب‌های قانونی و سیاست‌های حمایتی مختلف در کشورهای پیشرفته را بررسی کرده و به اهمیت تطابق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی اشاره کرده است.

رابرتسون^۳ (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «حقوق بزهدیدگان در نظام کیفری بین‌المللی» به تحلیل تطبیقی سیستم‌های مختلف حقوقی در حمایت از بزهدیدگان پرداخته و راهکارهایی برای تقویت نقش بزهدیدگان در دادرسی‌ها پیشنهاد داده است.

4- Bekar
5- Hansen

1- Estern
2- Harrison
3- Robertson

مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، سیاست‌ها و ساختارهای حقوقی و اجتماعی است که هدف آن، حمایت مادی، معنوی، روانی و حقوقی از افرادی است که در نتیجه‌ی رفتار مجرمانه یا غیرقانونی دیگران دچار آسیب یا زیان شده‌اند.

در نظام‌های سنتی عدالت کیفری، تمرکز اصلی بر مجرم و مجازات او بود و بزه‌دیده صرفاً به عنوان «شاکی خصوصی» یا «ابزار اثبات جرم» تلقی می‌شد. این دیدگاه باعث می‌شد که پس از وقوع جرم، توجه چندانی به وضعیت روانی، اقتصادی یا اجتماعی بزه‌دیده نشود و احساس بی‌عدالتی یا بی‌قدرتی در او تقویت گردد؛ اما با تحول در اندیشه‌های حقوق بشری و جرم‌شناسی در نیمه دوم قرن بیستم، رویکردی جدید تحت عنوان عدالت ترمیمی پدید آمد که محور آن، بازگرداندن تعادل از دست‌رفته بین بزه‌دیده، بزهکار و جامعه است.

در این میان، فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان بیانگر گذار از عدالت کیفری صرفاً تنبیهی به سوی عدالت انسانی‌تر، مشارکتی و بزه‌دیده‌محور است. این فرهنگ بر پایه‌ی اصولی چون کرامت انسانی، همدلی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری جمعی و عدالت ترمیمی شکل گرفته است و تأکید دارد که حمایت از بزه‌دیده نه تنها وظیفه‌ی دولت بلکه مسئولیتی اجتماعی برای همه‌ی نهادها و شهروندان است (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۲۵).

فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان صرفاً یک مفهوم حقوقی نیست، بلکه شامل ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نیز می‌شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۳۸).

در بعد حقوقی و قانونی، قوانین و مقررات باید به گونه‌ای تنظیم شوند که حقوق بزه‌دیدگان در تمام مراحل دادرسی کیفری حفظ شود. این شامل حق اطلاع از روند پرونده، حق حضور در دادگاه، حق برخورداری از وکیل، حق جبران خسارت و حمایت در برابر تهدید یا انتقام است. همچنین، نظام قضایی باید با ایجاد نهادهای حمایتی همچون صندوق‌های جبران خسارت، دفاتر مشاوره حقوقی و مراکز حمایت اجتماعی، زمینه‌ی اجرای عملی این حقوق را فراهم کند (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

از نظر بعد روانشناختی و اجتماعی، بزه‌دیدگی معمولاً آثار عمیق روانی و اجتماعی بر قربانی بر جای می‌گذارد. احساس ترس، اضطراب، خشم، ناامنی و از دست دادن اعتماد به نفس از جمله پیامدهای بزه‌دیدگی است. فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در این بُعد به دنبال آن است که از طریق خدمات روان‌شناختی، مشاوره‌ای و اجتماعی، به بازتوانی فرد و بازگشت او به زندگی عادی کمک کند. نهادهای دولتی، خانواده و جامعه در این زمینه نقش مهمی دارند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۸).

در بعد فرهنگی و ارزشی، فرهنگ عمومی جامعه تأثیر بسزایی در میزان حمایت از بزه‌دیدگان دارد. در جوامعی که ارزش‌هایی چون همدلی، عدالت و مسئولیت اجتماعی نهادینه شده‌اند، بزه‌دیده مورد احترام و حمایت قرار می‌گیرد؛ اما در جوامعی که برچسب‌زنی و سرزنش قربانی رایج است، بزه‌دیدگان به‌جای حمایت، دچار انزوا و فشار اجتماعی می‌شوند؛ بنابراین، آموزش عمومی، آگاهی‌بخشی رسانه‌ای و ترویج نگرش‌های انسانی، از عناصر کلیدی در تقویت فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان به شمار می‌آید. (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

از نظر بعد نهادی و اجرایی، حمایت از بزه‌دیدگان زمانی کارآمد است که نهادهای تخصصی برای این منظور وجود داشته باشند. ایجاد مراکز مشاوره، پناهگاه‌های امن برای زنان خشونت‌دیده، دفاتر حمایت از بزه‌دیدگان در دادسراها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌ی قربانیان، از اجزای مهم این ساختار نهادی است. همچنین همکاری میان قوه قضاییه، پلیس، وزارت رفاه، بهزیستی و نهادهای مدنی می‌تواند به شکل‌گیری یک شبکه‌ی حمایتی جامع منجر شود (حاجی تبار فیروز جانی، ۱۳۹۱: ۴۲).

نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان از جهت تحقق عدالت کیفری واقعی، پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه، دارای اهمیت است (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۳۸).

در نظریه بزه‌دیده‌محوری، خواستار تغییر تمرکز عدالت کیفری از مجرم به بزه‌دیده است. بر اساس این رویکرد، بزه‌دیده باید در همه مراحل فرآیند دادرسی (از گزارش جرم تا صدور رأی و پس از آن) از حق مشارکت، اطلاع‌رسانی،

پایایی ذیل عنوان دقت بررسی می‌شود که به باور گوبا و لینکلن^۱ (۱۹۹۴) دارای چهار معیار اعتبار، انتقال پذیری، اطمینان‌پذیری و تاییدپذیری است. اعتبار از طریق درگیری طولانی مدت و مشاهده مداوم، بازبینی توسط حقوقدانان و مهارت پژوهشگر حاصل گردید. انتقال‌پذیری با ارائه جزئیات بیشتر در رابطه با منابع، خصوصیات مقولات تقویت گردید. اطمینان‌پذیری و همچنین تاییدپذیری با توانائی محقق در پیگیری روش‌ها و نتیجه‌گیری‌های او به دست آمد و در نهایت اینکه پژوهشگر سعی نمود با تکیه بر تجربه‌های قبلی پژوهش‌های کیفی، از سوگیری دور باشد.

یافته‌ها

ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و قوانین بین‌المللی
در اسناد و قوانین بین‌المللی، توجه به ابعاد حقوقی و قانونی حمایت از بزه‌دیدگان سابقه‌ای تاریخی دارد که از کنگره‌های بین‌المللی اواخر قرن نوزدهم آغاز شده و با برگزاری نخستین همایش بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی در سال ۱۹۷۳ و تأسیس جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی در ۱۹۷۹ به‌طور جدی نهادینه شده است (شایان، ۱۳۹۱: ۱۶). نقطه اوج این تحولات، تصویب اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت در سال ۱۹۸۵ توسط سازمان ملل متحد است که به‌عنوان «منشور بین‌المللی بزه‌دیدگان» شناخته می‌شود و مبنای شناسایی حقوق بزه‌دیدگان در اسناد بعدی قرار گرفته است (نجفی ایرندآبادی، ۱۴۰۱: ۱۶).

این اعلامیه، بزه‌دیده را شخصی می‌داند که در نتیجه فعل یا ترک فعل ناقض قوانین کیفری دچار آسیب بدنی، روانی، عاطفی، اقتصادی یا نقض حقوق بنیادین شده است و اصول آن در اسنادی چون کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۰ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم ۱۹۹۸ انعکاس یافته است. در سطح منطقه‌ای،

حمایت روانی و جبران خسارت برخوردار باشد (۲۰۰۸، دوک).

بر اساس نظریه حقوق بشر، بزه‌دیدگان نیز مانند سایر شهروندان، دارای حقوق بنیادین هستند که باید از سوی دولت‌ها محترم شمرده شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حق دسترسی به عدالت، امنیت و کرامت انسانی را برای همه افراد، از جمله بزه‌دیدگان، به رسمیت شناخته‌اند (۱۹۶۶، سازمان ملل متحد).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ رویکرد، کیفی تطبیقی است که از روش تحلیل محتوا (کدگذاری سه مرحله‌ای) برای تحلیل آن استفاده شد. روش گردآوری داده‌ها، به صورت اسنادی و با استفاده از ابزار فیش‌برداری بوده که جامعه آماری شامل ۹ جلد کتاب، ۱۸ نسخه مقاله، ۶ سند قانونی و ۸ سایت معتبر حقوقی بوده که به علت محدودیت منابع در حوزه اقدامات حمایتی از بزه‌دیدگان به صورت تمام شمار مورد مطالعه قرار گرفتند. برای اعتبارسنجی داده‌ها از راهبرد کنترل و بازبینی بیرونی استفاده شده است. برای فیش‌برداری، ابتدا اصول و مبانی نظری مورد مطالعه قرار گرفتند و سپس اقدام به یادداشت‌برداری از متون کتاب‌ها، مقالات، اسناد قانونی و سایت‌های معتبر گردید و در ادامه، داده‌ها کدگذاری و مقولات غیر مرتبط حذف و مقولات مرتبط مورد بازبینی قرار گرفتند.

روایی محتوایی مقولات استخراجی، به روش کنترل بیرونی توسط ۵ نفر از حقوقدانان مورد تایید واقع گردید که بیانگر سطح بالای توافق کیفی مقولات استخراجی است. برای حصول پایایی، نتایج مقدماتی ناشی از اجرا و بازاجرای آن در فاصله زمانی یک هفته، در اختیار سه نفر از حقوقدانان قرار گرفت و آنها یکسانی پاسخ‌ها را مورد تایید قرار دادند. در پژوهش‌های کیفی، حصول روایی و

شورای اروپا با تصویب کنوانسیون پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌بار (۱۹۸۳) و توصیه‌نامه‌هایی درباره جایگاه بزه‌دیده، کمک به بزه‌دیدگان و میانجی‌گری کیفری، نقش مهمی در توسعه حمایت‌های قانونی ایفا کرده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴:۹۵).

پس از تصویب اعلامیه ۱۹۸۵، کشورهای متعددی از جمله انگلستان، آمریکا و کانادا قوانین حمایتی ویژه‌ای وضع کردند. انگلستان با تدوین منشور بزه‌دیده و آیین‌نامه اجرایی بزه‌دیدگان، نظامی نسبتاً منسجم از حمایت رسمی و مشارکتی را هماهنگ با اعلامیه سازمان ملل ایجاد کرده است (ویلیامز، ۱۳۸۴).

در عرصه عدالت کیفری بین‌المللی، اگرچه در دادگاه‌های اولیه مانند نورمبرگ و دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا نقش بزه‌دیدگان محدود بود، اما اساسنامه رم با شناسایی حق مشارکت، حمایت، جبران خسارت و ایجاد نهادهای اختصاصی مانند صندوق تأمین بزه‌دیدگان، جایگاه آنان را به‌طور چشمگیری ارتقا داده است (حاجی‌تبار، ۱۳۹۱:۱۵).

افزون بر حمایت‌های قضایی، فرهنگ حمایت فراقضایی بین‌المللی نیز شکل گرفته است که شامل حمایت‌های پزشکی، روانی، اجتماعی، مالی و عاطفی بزه‌دیدگان، عمدتاً از طریق نهادهای مردمی و سیاست‌جنایی مشارکتی است. این نوع حمایت‌ها در پاراگراف ۱۴ اعلامیه ۱۹۸۵ مورد تأکید قرار گرفته و در برخی کشورها مانند انگلستان به‌صورت منسجم‌تری اجرا شده است، در حالی که در ایران بیشتر به‌طور پراکنده و تقنینی مورد توجه قرار گرفته است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴:۱۶).

ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و قوانین ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸) حمایت از بزه‌دیدگان به‌صورت پراکنده و غیرمستقیم مطرح شده است. اصول ۲۱، ۲۹، ۳۴ و ۳۵ بر حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و بی‌سرپرستان، حق تأمین اجتماعی و حق دادخواهی تأکید دارند، اما به‌رغم امکان تفسیر موسع اصل ۲۹ در شمول بزه‌دیدگان حوادث و

سوانح، خلأ حمایت جامع از بزه‌دیده در قانون اساسی مشهود است و بازنگری در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

قانون حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و شاهدان در امور کیفری (۱۳۹۲) با هدف تضمین کرامت انسانی و حمایت قضایی، روانی و اجتماعی از بزه‌دیدگان تصویب شد و حقوقی چون اطلاع از روند دادرسی، مشارکت در رسیدگی، جبران خسارت، حفظ حریم خصوصی، منع تبعیض و ایجاد نهادهای حمایتی را به رسمیت شناخت.

در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نقش و جایگاه بزه‌دیده به‌طور قابل توجهی تقویت شده است. این قانون حقوقی همچون حق شکایت و آغاز تعقیب کیفری (مواد ۱۲ و ۶۴)، دسترسی آسان به عدالت کیفری، حق آگاهی از حقوق و روند دادرسی (ماده ۶)، محرمانگی هویت (مواد ۴۰ و ۱۰۱)، مشارکت در تحقیقات و ارائه ادله (مواد ۱۵ و ۱۰۰)، حضور در میانجی‌گری (مواد ۸۲ تا ۸۴)، حق جبران خسارت و تأمین خواسته (مواد ۱۰۷، ۱۰۹ و ۲۱۷)، حق استماع اظهارات و معرفی شهود (مواد ۲۰۴، ۳۵۹ و ۳۷۱) و حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی (مواد ۶۸ و ۳۴۷) را برای بزه‌دیدگان پیش‌بینی کرده است (آخوندی، ۱۳۹۵:۱۶۲). همچنین تدابیر حمایتی برای تأمین امنیت بزه‌دیده و خانواده وی، به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، مورد تأکید قرار گرفته است (حاجی‌ده‌آبادی و باقری، ۱۳۹۶:۸۵).

اصل تساوی سلاح‌ها و هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم، به‌عنوان یکی از الزامات دادرسی منصفانه، در مقررات آیین دادرسی کیفری و تکلیف بازپرس به بی‌طرفی منعکس شده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴:۱۴۵). همچنین حق برخورداری از مترجم و کارشناس برای بزه‌دیدگان غیر فارسی‌زبان یا دارای ناتوانی‌های ارتباطی به رسمیت شناخته شده است.

در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) حمایت از بزه‌دیدگان از طریق گسترش صلاحیت شخصی بر مبنای تابعیت بزه‌دیده (ماده ۸)، توجه به گذشت شاکی، جبران خسارت، تخفیف و تبدیل مجازات، مجازات‌های جایگزین

در ایران، با تصویب قوانینی مانند قانون حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و شاهدان (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۹۹) گام‌های مهمی در جهت نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان برداشته شده است. این قوانین حقوقی همچون مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی، جبران خسارت، حفظ حریم خصوصی، برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی، حمایت‌های روانی و اجتماعی و ایجاد نهادهای حمایتی را پیش‌بینی کرده‌اند.

با این حال، بررسی تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی نشان می‌دهد که هنوز فاصله‌های قابل توجهی وجود دارد. مهم‌ترین چالش‌ها و کاستی‌ها عبارتند از: مشارکت فعال بزه‌دیدگان در دادرسی‌ها و اجرای کامل حق اطلاع‌رسانی و جبران خسارت محدود است، حمایت‌های روانی و اجتماعی به صورت سیستماتیک و جامع در ایران کمتر دیده شده است، محدودیت در سهولت دسترسی و جامعیت سازوکارهای جبران خسارت وجود دارد، از لحاظ موانع فرهنگی و اجتماعی نگاه سنتی و برچسب‌زنی اجتماعی نسبت به بزه‌دیدگان، به ویژه زنان و کودکان، مانع از حمایت کامل می‌شود، فقدان نهادهای تخصصی، کمبود مراکز بازتوانی و محدودیت بودجه، اجرای حمایت‌ها را محدود کرده است و کمبود آموزش و عدم شناخت کامل حقوق بزه‌دیدگان در جامعه و دستگاه‌های قضایی و انتظامی مانع از اجرای درست قوانین می‌شود.

در نهایت، ایجاد و توسعه فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان نه تنها موجب ترمیم آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و مشروعیت نظام قضایی را تقویت می‌کند. تنها در سایه‌ی چنین فرهنگی می‌توان به عدالت کیفری انسانی‌تر، ترمیمی‌تر و پایدارتر دست یافت و جامعه‌ای امن‌تر، همدل‌تر و مسئول‌تر ساخت که در آن کرامت انسانی هسته‌ی اصلی نظام عدالت محسوب شود.

در پژوهش انجام گرفته مشخص است که یافته‌های این پژوهش با تحقیقات پیشین فهلی و حیدری (۱۴۰۴)،

حس و نهادهای عدالت ترمیمی تقویت شده است (یوسفی مراغه، ۱۳۹۱:۱۱۵). این قانون با تأکید بر رضایت بزه‌دیده و ترمیم خسارات، رویکردی دوگانه نسبت به بزه‌کار و بزه‌دیده اتخاذ کرده و از بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم، از جمله خانواده بزه‌کار، نیز حمایت کرده است (غلامی، ۱۳۹۷:۶۸).

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۹۹) با شناسایی کودک بزه‌دیده و شاهد جرم، جرم‌انگاری بی‌تفاوتی نسبت به بزه‌دیدگی کودکان و پیش‌بینی حمایت‌های روانی، اجتماعی و قضایی، یکی از پیشرفته‌ترین قوانین حمایتی در این حوزه محسوب می‌شود.

در سطح سیاست‌های اجرایی، سند تحول قضایی (۱۳۹۹) بر توسعه عدالت ترمیمی، ارتقای جایگاه بزه‌دیده و ایجاد دفاتر و نهادهای حمایتی تأکید دارد. در همین راستا، تشکیل نهادهایی مانند دادیار حمایت از بزه‌دیده و شعب ویژه جرایم علیه اطفال و زنان در برخی استان‌ها، گامی عملی در جهت نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

فرهنگ حمایت از بزه‌دیدگان، فراتر از یک الزام حقوقی صرف، نمادی از احترام به کرامت انسانی و عدالت اجتماعی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این فرهنگ، علاوه بر جنبه‌های قانونی و قضایی، شامل حمایت‌های روانی، اجتماعی، مالی و عاطفی بزه‌دیدگان و ایجاد فضایی امن و شفاف برای آنان است. در سطح بین‌المللی، اسناد و مقررات متعدد از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان ۱۹۸۵، کنوانسیون‌های سازمان ملل و دستورالعمل‌های شورای اروپا، حمایت‌های جامع و همه‌جانبه‌ای را برای بزه‌دیدگان تضمین کرده و حقوقی مانند دسترسی به عدالت، مشارکت در دادرسی، جبران خسارت و حمایت‌های اجتماعی و روانی را به رسمیت شناخته‌اند.

قولباش، شاملو و احمدی موسوی (۱۴۰۳)، رفیع نژاد، نجفی توانی و ساعد (۱۴۰۱)، زاهدی، رئیس پور شیرازی و فرجی (۱۴۰۰)، میرکمالی و سروی سرمیدانی (۱۴۰۰)، کرامتی معز و میر خلیلی (۱۳۹۹)، یعقوبی (۱۳۹۹)، اختری و موذن زادگان (۱۳۹۸)، پورقهرمان (۱۳۹۶)، حاجی تبار فیروز جانی (۱۳۹۱)، استرن (۲۰۲۱)، هریسون (۲۰۲۱)، رابرتسون (۲۰۲۰)، بکر (۲۰۲۰)، هنسن (۲۰۱۹) که دارای رویکرد حمایتی از بزه‌دیدگان می باشند هم راستا می باشد اما با تحقیق لعل علیزاده (۱۳۹۴) که تنها به بحث مشارکت بزه دیدگان در محاکم کیفری پرداخته است هم راستا نمی باشد.

پیشنهادها

در راستای نهادینه سازی ابعاد حقوقی و قانونی فرهنگ حمایت از بزه دیدگان در کشور، اقدامات اصلاحی زیر پیشنهاد می گردد:

۱. بازنگری و اصلاح قوانین کیفری و حمایتی کشور برای همسویی با استانداردهای بین‌المللی؛
۲. تقویت نهادهای تخصصی و مستقل حمایت از بزه‌دیدگان در کشور؛
۳. توسعه خدمات مشاوره‌ای، روان‌شناختی و اجتماعی؛
۴. تسهیل دسترسی به عدالت و جبران خسارت؛
۵. ارتقای سطح آگاهی عمومی و آموزش تخصصی مسئولان قضایی و انتظامی کشور؛
۶. فرهنگ‌سازی عمومی جهت احترام به حقوق بزه‌دیدگان و مقابله با نگاه سنتی و برچسب‌زنی اجتماعی.

منابع

۱. آخوندی، محمد. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ هشتم.
<https://www.gisoom.com/book/1358817>

۲. اختری، عباس و موذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۸). حقوق بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری. پژوهش های حقوق کیفری، ۷ (۲۶).

۳. استرن، سوزان. (۲۰۲۱). حمایت روانی از بزه‌دیدگان جرم: دیدگاه‌های بین‌المللی، کانادا، چاپ اول.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/ge/900033>

۴. بکر، مایکل. (۲۰۲۰). حمایت از بزه‌دیدگان در قوانین مقابله با تروریسم، چاپ اول، کانادا.
<https://ensani.ir/fa/article/359536>

۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵) حقوق جزای عمومی. تهران: میزان .

۶. پور قهرمان، بابک. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی سازوکارهای حمایت از بزه‌دیدگان جرایم رایانه‌ای در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی با تأکید بر کنوانسیون بوداپست، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۸ (۱).
https://jol.guilan.ac.ir/article_2286.html

۷. دوک، جاناتان. (۲۰۰۸). حقوق بزه‌دیدگان، حقوق بشر و عدالت کیفری: بازناندیشی نقش اشخاص ثالث، انگلستان. چاپ اول
https://jclc.sdil.ac.ir/article_40885.html

۸. حاجی تبار فیروزجانی، حسن. (۱۳۹۱). بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
<https://jangal.com/product/1893>

۹. رفیع نژاد، علی اعظم؛ نجفی توانی، علی؛ ساعد، محمدجعفر. (۱۴۰۱). الگویی برای تقویت حمایت از بزه‌دیدگان جرایم بین‌المللی در آفریقا، پژوهش حقوق کیفری، ۱۰ (۳۹).

۱۰. زاهدی، عبدالوحید؛ رئیس پور شیرازی، مهسا و فرجی، محمد. (۱۴۰۰). نقش پلیس زن در پیشگیری از خشونت علیه زنان، مطالعات فرهنگی پلیس، ۸ (۴).
http://hamedan.jrl.police.ir/article_97492_2_e7789a23d0ca72db14833517b10de83.pdf

۱۱. حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ باقری، فاطمه. (۱۳۹۶). سازوکارهای حمایتی تقنینی و اجرایی از زنان در پرتو علت شناسی بزه دیدگی آنان در سیاست جنایی افتراقی، شماره ۲۶.

اختصاصی با دیوان کیفری بین‌المللی، مطالعات حقوق تطبیقی، ۶(۲).

https://jcl.ut.ac.ir/article_55788.html

۲۳. میرکمالی، سیدعلیرضا و سروی سرومیدانی، امید. (۱۴۰۰). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از بزهدیدگان با تأکید بر کودکان بزهدیده، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۶(۹۵).

https://jlvviews.ujss.ac.ir/article_703678.html

۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۴۰۱). درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ دهم، میزان، تهران.

<https://mizan-law.ir/Book/Details/289>

۲۵. ویلیامز، کترین (۱۳۸۴)، تأملی بر بزهدیدگی و انواع آن، ترجمه دکتر علی صفاری، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56588.html

۲۶. هریسون، تام. (۲۰۲۱). حمایت از قربانیان جرم: رویکردهای بین‌المللی، چاپ اول، آلمان.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_103492_1a31dee89aa8afc1d659e4c44d310158.pdf

۲۷. هنس، لارنس. (۲۰۱۹). حقوق بزهدیدگان در حقوق کیفری بین‌المللی، چاپ دوم، آمریکا.

<https://ensani.ir/fa/article/441528>

۲۸. یعقوبی، قانع. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی حمایت عاطفی از بزهدیدگان سایبری در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی، تهران.

<https://civilica.com/doc/1197855>

۲۹. یوسفی مراغه، مهدی. (۱۳۹۱). خدمات رسانی به بزهدیدگان. چاپ اول. تهران، انتشارات جاودانه.

<https://www.ketabiran.ir/book/11432>

http://journals.police.ir/article_11208.html

۱۲. رابرتسون، جیمز. (۲۰۲۰). حقوق بزهدیدگان در نظام کیفری بین‌المللی، چاپ اول انگلستان.

<https://civilica.com/doc/2314321/>

۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). بزهدیدگان و نظام عدالت جنایی. مجله حقوقی دادگستری، ۶۹(۵۳-۵۲).

https://www.jlj.ir/article_44301.html

۱۴. غلامی، حسین. (۱۳۹۷). میزگرد عدالت برای بزهدیدگان، مجله حقوقی دادگستری، ۶۹(۵۲ و ۵۳).

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/484586>

۱۵. سازمان ملل متحد. (۱۹۶۶). گزارش حقوق بشر.

<https://iran.un.org/fa/106018>

۱۶. سازمان ملل متحد. (۱۹۸۵). اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزهدیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت.

<https://fa.wikifqh.ir>

۱۷. شایان، علی. (۱۳۹۱). عدالت برای بزهدیدگان، تهران، چاپ سوم، انتشارات سلسبیل.

۱۸. فهلی، ابراهیم و حیدری، جمشید. (۱۴۰۴). مطالعه پدیدارشناسانه آسیب‌های فردی، فرهنگی و خانوادگی طلاق بر اساس تجارب زیسته زنان مطلقه، فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۲.

http://hamedan.jrl.police.ir/article_104617_6d95cba2415b3395b71cefd5bfa510df.pdf

۱۹. قزلباش، حسین؛ شاملو، باقر؛ احمدی موسوی، سید مهدی. (۱۴۰۳). جایگاه رضایت بزهدیده در سیاست کیفری ایران؛ فرا تحلیل تطبیقی، آموزه‌های فقه و حقوق جزا، ۳(۴).

<https://sanad.iau.ir/Journal/jclcd/Article/119539/FullText>

۲۰. کرامتی معز، هادی و میرخلیلی، سیدمحمود. (۱۳۹۹). رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین‌المللی به حمایت از کودکان بزهدیده در شبکه‌های اجتماعی، مطالعات بین‌المللی پلیس، ۴۱.

http://journals.police.ir/article_94029.html

۲۱. لیز، ژرار، فیلیزولا، ژینا. (۲۰۱۶). بزهدیده و بزهدیده شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی (۱۳۹۶). چاپ هشتم، تهران، انتشارات مجد.

<https://www.majdpub.ir/Home/BDetails/1652>

۲۲. لعل‌علیزاده، محسن. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی مشارکت بزهدیدگان در محاکم کیفری بین‌المللی